

**منافع وجود امام عصر(ع) در عصر غیبت**

اگر امام، پیشوای مردم است باید ظاهر باشد. بر وجود امام ناپیدا چه فایده‌ای می‌توان یافت؟...



اگر امام، پیشوای مردم است باید ظاهر باشد. بر وجود امام ناپیدا چه فایده‌ای می‌توان یافت؟  
- امامی که صدها سال است، غایب است، نه دین را ترویج می‌کند، نه مشکلات جامعه را حل می‌نماید، نه پاسخ مخالفان را می‌دهد، نه امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، نه از مظلومی حمایت می‌کند و نه حدود و احکام الهی را جاری می‌سازد، بود و نبودش با هم چه تفاوتی دارند؟

از زمانی که امام عصر(ع) از دیده‌ها پنهان شده و در پس پرده غیبت زندگی خود را شروع کرده است، انبوهی از پرسش‌ها، پیرامون مسائل غیبت مطرح شده است که بسیاری از آنها از یک پیشینه دیرینه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که بسیاری از این سؤال‌ها در نوشته‌های نویسندگان کتاب‌های مربوط به امام زمان(ع) در قرن چهارم و پنجم اسلامی مطرح گردیده و علما پاسخ‌های مناسبی به آن داده‌اند.

از جمله پرسش‌های رایج درباره امام زمان(ع) این است که:

- به فرض قبول امامی که فرزند بلافصل امام عسکری(ع) است چه خاصیتی بر وجود ایشان مترتب است؟

- اگر امام، پیشوای مردم است باید ظاهر باشد. بر وجود امام ناپیدا چه فایده‌ای می‌توان یافت؟

- امامی که صدها سال است، غایب است، نه دین را ترویج می‌کند، نه مشکلات جامعه را حل می‌نماید، نه پاسخ مخالفان را می‌دهد، نه امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، نه از مظلومی حمایت می‌کند و نه حدود و احکام الهی را جاری می‌سازد، بود و نبودش با هم چه تفاوتی دارند؟

- در دوران غیبت که آن جمال الهی از دیدگان ما ناپیداست نحوه استفاده ما از آن حضرت چگونه است؟

پیش از پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها ذکر نکاتی چند در این باره ضروری است:

1. ظاهراً این اشکالات از زبان کسانی مطرح می‌گردد که در واقع نه امام را شناخته‌اند و نه به معنای حقیقی امامت پی برده‌اند. و امام را مانند رهبری عادی که کارش مسئله‌گویی و حداکثر، اجرای حدود و احکام است می‌دانند، در حالی که مقام امامت و ولایت به مراتب از این مقامات ظاهری شامخ‌تر و والاتر است و باید دانست که مفهوم غایب بودن امام مهدی(ع) این نیست که وجودی نامرئی دارد و به یک وجود پنداری شبیه‌تر است، بلکه او نیز از یک زندگی طبیعی عینی خارجی برخوردار است و تنها استثنایی که در زندگی او وجود دارد، عمر طولانی اوست و الا آن وجود نازنین، در جامعه انسانی به‌طور ناشناس زندگی می‌کند.

2. باید گفت، اگر چه حضور شخصی امام غایب در بین مردم سبب می‌شود که مسلمانان از برکات بیشتر و در سطح وسیع‌تری بهره‌مند شوند، ولی این چنین نیست که اگر شخص امام غایب بود هیچ‌گونه فایده و ثمره‌ای برای امت اسلام و مردم نداشته باشد، بلکه مردم را تحت نفوذ شخصیتی خود می‌گیرد زیرا آثار امام که بقیه‌الله در زمین است، بر دو قسم می‌باشد:

1. آثار حضور؛

2. آثار ظهور؛

و غیبت امام به معنای عدم ظهور اوست، نه عدم حضور.

3. مسئله فوائد وجودی امام غایب از طرق ذیل قابل بررسی و محل بحث است:

1. از طریق محاسبات اجتماعی؛

2. از طریق قرآن و نهج‌البلاغه؛

3. از طریق روایات متعدد معصومین(ع).

تا هر فردی به فراخور فکر خود، یکی از این طرق یا هر سه را بپذیرد؛ به‌گونه‌ای که شخص غیر معتقد، به اصالت قرآن و نهج‌البلاغه، از طریق اول می‌تواند فایده وجود امام غایب را به خوبی درک کند.

اینک؛ بیان این راه‌ها و پاسخ به سؤال موردنظر به کمک آنها:

1. وجود رهبر موجب بقای مکتب

محاسبات عقلی و اجتماعی ثابت می‌کند که اعتقاد به وجود چنین امامی، در طول مدت، اثر عمیقی در اجتماع شیعه داشته است که اکنون به آن اشاره می‌کنیم:

اصولاً هر جامعه‌ای برای خود تشکیلات و سازمانی دارد، و برای بقا و ادامه کار سازمان‌ها و به منظور تعقیب هدف، وجود رهبری لازم است. هرگاه این رهبر در دل اجتماع باشد، وجود و مداخله‌اش در رهبری و گردش تشکیلات و سازمان‌ها لازم و ضروری خواهد بود، ولی هرگاه که رهبر به عللی محبوس، یا تبعید و دور افتاده، یا مریض و بیمار باشد، وجود او برای پیگیری

امور اجتماع و افراد، کافی خواهد بود؛ زیرا باز مردم به امید آن رهبر، دست به دست هم داده، کارها را ادامه می‌دهند. در طول تاریخ، در میان ملل زنده که قیام و نهضت‌هایی داشتند، برای این مطلب گواهی‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد تا آن رهبر از حیات و زندگی برخوردار بوده، هر چند از نزدیک موفق به رهبری نمی‌شده، اما تشکیلات آن گروه، باقی و پایدار می‌مانده‌است؛ اما لحظه‌ای که حیات و زندگی او به پایان می‌رسید، تفرقه و دو دستگی، تشتت قوا و پراکندگی و نابسامانی در میان جمعیت حکم‌فرما می‌گردید.

بهترین شاهد بر اینکه وجود رهبر، حافظ نظام و نگاه‌دارنده مکتب و مایه تشکل پیروان اوست، ماجرای نبرد احد است. در جنگ احد، به‌طور اشتباه، و یا از روی غرض‌ورزی، ندایی در قلب لشکر بلند شد:

ألا قد قُتل محمد، محمد کشته شد.

این خبر ناگوار، زمانی در میان مسلمانان منتشر شد که آنان مشغول دفاع از تجاوز و تعدی مهاجمان بودند. وقتی شایعه مرگ رهبر قوت گرفت، نظام و پیوستگی آنان چنان گسسته گردید که هر کدام به گوشه‌ای فرار کرده و دست از نبرد کشیدند و گروهی به فکر پیوستن به لشکر دشمن افتادند، اما هنگامی که خبر قتل پیامبر تکذیب شد، لشکر از هم پاشیده، بار دیگر به دلگرمی وجود رهبر از نقاط مختلف دور پیامبر گرد آمده و نبرد و دفاع را از سر گرفتند. خداوند، در قرآن کریم، این حقیقت را به خوبی بیان فرموده:

و ما محمد، الأ رسول قد خلت من قبله الرّسل أفان مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم و من ينقلب على عقبيه فلن يضرّ الله شيئاً و سيجزى الله الشّاكرين.2

با این توضیح، درباره امام زمان(ع) باید گفت: آیا اعتقاد به وجود امام حی و حاضر، ناظر، مستعد و آماده برای نهضت، هر موقعی که خدا بخواهد، در حفظ وحدت جمعیت و تشکیلات، بالأخص آماده کردن افراد برای نهضت و قیام بر ضد جور، استبداد و خودکامگی، و افسانه‌پرستی و تفرقه‌اندازی مؤثر نیست؟

هرگاه جمعیتی معتقد شود که رهبر آنان در قید حیات و زندگی بوده و پیوسته مترقب فرمان الهی است که از پس پرده غیبت بیرون آید، به‌طور مسلم ناامید نمی‌شود، وحدت کلمه خود را از دست نمی‌دهد و در حفظ مکتب خویش می‌کوشد.

بنابراین اگر رهبر یک جنبش در میان مردم هم نباشد، وجود واقعی او می‌تواند الهام‌بخش معنوی و مایه امید، تحرک و یادآوری گردد و اما در مورد اینکه چرا خداوند امام را در موقع ظهور خلق نکرد، باید گفت: اگر چنین بود، اصولاً عنوان انتظار ظهور مصلح، واقعیت خارجی پیدا نمی‌کرد، زیرا انسان‌ها در انتظار فردی می‌توانند باشند که به زنده بودنش معتقدند و الاً نمی‌توان بشریت را به این دلخوش داشت که چند سال بعد ممکن است کسی به دنیا آید که قرار است نقش منجی را ایفا کند. پس آدمیان در شناخت دقایق و ظرایف حیات و برای آنکه در مسیر تکاملی به پیکار برخیزند، لازم است که از وجود رهبری، حتی اگر غایب باشد، الهام گرفته و بهره‌مند گردند.

2. امام؛ حجت آشکار خدا

امیرمؤمنان(ع) در نهج‌البلاغه برای خدا دو نوع حجت معرفی می‌نماید: یکی حاضر و آشکار و دیگری غایب و ناپیدا. آنجا که می‌فرماید:

پروردگارا، روی زمین هیچ‌گاه از حجت‌های تو خالی نمی‌ماند، حجت‌هایی که گاهی مرئی و آشکار، و گاهی از بیم مردم پنهان است، تا دلایل آئین الهی محو و نابود نشود.3

مقصود امام علی(ع) از «حجت خائف و مغمور» کیست؟ آیا جز آن پیشوای معصوم است که بر اثر نبودن شرایط مساعد، در پس پرده غیبت به سر می‌برد تا روزی که جهان برای قیام و نهضت او آماده گردد؟

پس از آگاهی از این دو نوع حجت به ذکر نام گروهی از اولیای الهی که آنان یا غایب و پنهان بوده و با این حال هدایت می‌کردند یا به صورت مستتر به سازندگی افراد اشتغال داشتند و یا اینکه نبی و ولی بودند ولی منتظر آن بودند که فرمان حق رسیده و سپس انجام وظیفه کنند، می‌پردازیم:

الف) معلم موسی که در اخبار به نام «خضر» معرفی شده است؛

ب) پیامبر گرامی اسلام(ص) که سه سال از طریق فردسازی هدایت می‌کرد؛

ج) حضرت موسی(ع) در مدت غیبت چهل روزه؛

د) حضرت یونس(ع) که مدت‌ها در شکم نهنگ، پنهان از دیدگان به سر می‌برد.

حضرات معصومین(ع) در پاسخ به پرسش از نحوه بهره‌گیری از امام غایب چنین فرمودند:

الف) جابرین عبدالله انصاری، از پیامبر اکرم(ص) پرسید:

آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمد(ع) برخوردار می‌شوند؟

فرمود: آری! قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت، از وی نفع می‌برند و از نور ولایتش کسب نور می‌کنند، هم‌چنان‌که از خورشید استفاده می‌نمایند، هنگامی که در پشت ابرها پنهان می‌گردد.4

ب) از امام چهارم، حضرت سجاد(ع) پرسیدند:

شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی‌عصر(ع) چگونه استفاده می‌کنند؟

فرمود: آن‌چنان که از خورشید استفاده می‌شود هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد.5

ج) حضرت امام صادق(ع) فرمود:

از روزی که خداوند متعال، حضرت آدم را آفریده تا روز رستاخیز، زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و روشن

و یا غایب و پنهان.

راوی پرسید:

از امام غایب چگونه استفاده می‌شود؟

فرمود: آن‌چنان‌که از خورشید استفاده می‌شود هنگامی که در پشت ابر قرار گیرد. 6

د) در توفیق مبارکی که از ناحیه مقدس امام عصر(ع) توسط دومین نایب خاص ایشان، محمدبن عثمان به اسحاق بن یعقوب صادر شده است، چنین آمده است:

اما چگونگی استفاده مردم از من، به‌سان استفاده آنهاست از خورشید، هنگامی که در پشت ابر پنهان شود. 7

3. خورشید فروزان در پشت ابرهای تار

در پاسخ پیشوایان دین به منافع وجودی امام غایب(ع) در عصر غیبت و چگونگی استفاده از محضر او خواندیم که همگی تصریح می‌کنند: در زمان غیبت از فیوضات بی‌کران ناموس دهر، امام عصر(ع)، همگان برخوردار هستند، به‌سان استفاده آنان از خورشید، زمانی که در پشت ابرها قرار گیرد. ولی نکته اینجاست که چرا امام زمان(ع) در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است؟

الف - نور هستی و هدایت توسط آن حضرت می‌رسد؛ زیرا حضرات ائمه(ع)، علت غایی ایجاد مخلوقات عالم‌اند و اگر آنها نبودند نور عالم به غیر ایشان نمی‌رسید و نیز به برکت آنهاست که علوم و معارف حقّه بر مردم آشکار می‌گردد و گرفتاری‌ها از امت اسلام برطرف می‌شود. اگر آنها نبودند، مردم به وسیله اعمال زشت خود مستحق انواع عذاب‌های الهی می‌شدند، چنان‌که خداوند فرموده است:

و ما کان الله ليعذبهم و أنت فيهم... 8

ب - همان‌گونه که مردم از آفتاب پشت ابر بهره می‌برند و انتظار دارند که ابر کنار رفته و دوباره قرص خورشید پیدا شود تا بیشتر از آن بهره بگیرند، در ایام غیبت نیز شیعیان با اخلاص، در همه وقت، منتظر ظهور امام عصر(ع) هستند و هیچ‌گاه مأیوس نمی‌گردند.

ج - گاهی برای بندگان خدا پنهان شدن خورشید در پشت ابر از روی مصلحت بهتر از آشکار بودن آن است. همچنین غیبت امام زمان(ع) از روی مصلحت برای مردم عصر غیبت، بهتر است. از این رو ایشان از نظرها غایب گردیده‌اند.

د- گاهی آفتاب از میان ابر بیرون می‌آید اما یکی به آن می‌نگرد و دیگری توجهی ندارد. همین‌طور نیز ممکن است آن حضرت در ایام غیبت بر عده‌ای آشکار شود ولی دیگران او را نبینند.

ه - وجود ملکوتی و نور مطلق الهی ائمه اطهار(ع) از لحاظ نفعی که برای عالم وجود دارند، همانند خورشید است و تنها کسانی نمی‌توانند از وجود مقدسشان بهره‌مند گردند که چشم دلشان کور باشد. در قرآن کریم نیز به این اشاره شده است:

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و اضلّ سبيلاً. 9

و- اگر انسان، پرده‌های هواپرستی را از پیش روی خود کنار بزند، در زیر آسمان قرار می‌گیرد و نور آفتاب، بدون مانع، از هر سو او را احاطه می‌کند. 10

امام باقر(ع) در حدیثی فرمودند:

اینکه خداوند می‌فرماید: «اعلموا أنّ الله يحيى الأرض بعد موتها» به این معنی است که خداوند به وسیله قائم(ع) زمین مرده را حیات خواهد داد. 11 و 12

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در این باب می‌فرمایند: «تشبیه امام به آفتاب و تشبیه غیبت امام به واقع شدن آفتاب پشت ابر لطایف بسیاری در بردارد:

1. خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او در حرکت‌اند، چنان‌که وجود گرامی حضرت حجت(ع) در نظام هستی مرکزیت دارد:

ببقائه بقیت الدنيا و بیمنه رزق الورا و بوجوده ثبتت الأرض والسّماء. 13

2. خورشید در این مجموعه، منافع فراوانی دارد: گرما و حرارت، که از پشت انبوه ابر غلیظ نیز به زمین می‌رسد؛ باد و باران، رویدن گیاهان و امثال آن از برکت تابش خورشید است و ابر گرفتگی در آن اثر مهمی ندارد. بله، نور افشانی از پشت ابر، کمتر خواهد بود. بدین ترتیب ابر گرفتگی فقط یکی از منافع آفتاب - آن هم در برخی نقاط - را تقلیل می‌دهد، نه اینکه از بین ببرد.

3. ابر، هرگز آفتاب را نمی‌پوشاند بلکه ما را می‌پوشاند، در نتیجه ما را از دیدن آن محروم می‌کند، نه آنکه در منفعت رسانی آن خلل ایجاد کند. چگونه می‌توان گفت کسی که عالم وجود در قبضه قدرت اوست و می‌تواند هر لحظه‌ای در هر جا حضور داشته باشد، غایب است؟

4. پوشاندن ابر، اختصاص به کسانی دارد که در زمین هستند نه کسی که بر فراز ابر حرکت می‌کند. غیبت آن حضرت نیز برای کسانی است که به دنیا و طبیعت چسبیده‌اند، اما کسانی که بر ابرهای شهوات و غبار هواهای نفسانی پا می‌گذارند و در آسمان عبودیت پرواز می‌کنند، در بهره گرفتن از خورشید با دیگران قابل مقایسه نیستند.

5. آفتاب، لحظه‌ای از نورافشانی غفلت نمی‌کند. هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌برد و اگر بتواند همه موانع را کنار بزند و در برابر آفتاب بنشیند بهره کاملی می‌برد. چنان‌که حضرت ولی‌عصر(ع) مجرای فیض الهی است و از این جهت فرقی بین بندگان خدا نمی‌گذارد؛ لیکن هر کس به اندازه ارتباط خود مستفیض می‌شود.

6. اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد. اگر وجود گرامی آن حضرت

در پس پرده غیبت نباشد سختی‌ها و تنگی‌های معیشت و کینه‌توزی دشمنان مجالی به شیعه نمی‌دهد. آن حضرت در توقیع مبارک خود به مرحوم شیخ مفید(ره) نوشته‌اند:

ما در مراعات حال شما سهل‌انگار نیستیم و هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم و گرنه سختی‌ها و تنگناهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان، شما را نابود می‌کردند. 14

7. درست است که امام(ع) با حضور و ظهور خود می‌تواند مایه اضمحلال دشمنان گردد، آن‌گونه که از نظر علمی، تابش بدون ابر و مستقیم خورشید - به خاطر اشعه‌هایی که دارد - ضد عفونی کننده و از نظر فقهی نیز جزو مطهرات محسوب می‌شود و برخی نجاسات را پاک می‌کند، لیکن وجود امام معصوم(ع) در نظام آفرینش مثل مغناطیس زمین است که با وجود نامرئی بودن، همه قیله‌نماها و قطب‌نماهای کشتی‌ها، هواپیماها، عملیات‌های نظامی و... را به حرکت درمی‌آورد و از برکت آن میلیون‌ها بلکه میلیاردها انسان، جهت قبله یا مسیر مسافرت خود را پیدا می‌کنند و به مقصد می‌رسند. 15 و 16

4. منافع وجودی امام غایب

فواید امام غایب(ع) فقط منحصر به امور ظاهری و منافع که مربوط به ترقی و ترویج آیین اسلام در دوران ظهور می‌باشد، نیست؛ بلکه فواید باطنی کثیری نیز بر امام غایب مترتب است که به مراتب، عظیم‌تر از فواید ظاهری است و در احادیث متعددی که پیرامون فلسفه و فایده وجود امام(ع) در عصر غیبت به ما رسیده، موارد گوناگونی عنوان گردیده است، که اکثر این منافع، عمومی است یعنی مسلمان و کافر، شیعه و سنی در آن سهیم هستند. چنان‌که منافع آفتاب نیز عام است ولی برخی از آنها اختصاص به شیعیان دارد. به هر حال بیان این منافع، جذبه معنوی خاصی دارد که خالی از لطف نیست.

امام(ع) مایه آرامش اهل زمین

وجود امام معصوم در میان جامعه بشری از جهات گوناگون موجب آرامش و امنیت برای ساکنان زمین است:

یک - امنیت فکری و روحی: امام و حجت خدا براساس اینکه مسؤولیت هدایت و ارشاد جامعه را برعهده دارد، از مرزهای اعتقادی و فکری جامعه اسلامی نگهبانی می‌کند تا مورد هجوم افکار غلط و اعتقادات منحرف دشمنان خدا واقع نشود. در پرتو هدایت و ارشاد حجت خداست که انحرافات فکری و عقیدتی که موجب تزلزل روحی و فکری جامعه است، از بین رفته و امنیت فکری و روحی به وجود می‌آید.

احساس آرامش در سایه امام

یکی دیگر از ثمرات مهم امام در میان بندگان از جهت وجود شخصیتی بزرگ، ملکوتی، معصوم و آگاه به حال مردم است و در میان افرادی که اعتقاد به امامت و رهبری وی دارند و او را از هر کس دیگر نسبت به خود مهربان‌تر و دلسوزتر می‌دانند، موجب دلگرمی روحی است و هر نوع یأس و نومیدی را از ایشان دور می‌کند و آنها را به آینده‌ای روشن و ارزشمند امیدوار می‌سازد. به عبارت دیگر وجود امام، نقطه اتکایی است برای بندگان خدا که در هنگام مواجهه با حوادث هولناک، به وی پناه برند و به عنوان پناهگاهی چاره‌ساز و آرام‌بخش از وجود امام منتفع گردند و به تلاش و کوشش خویش در راستای نیل به اهداف الهی و اسلامی ادامه دهند.

5. وجود امام، منشأ خیر و برکت

بر حسب روایات و اخبار، وجود افراد مؤمن در بین مردم، منشأ خیر و برکت و موجب نزول باران و جلب منافع و دفع بسیاری از بلاها از جامعه است، چنان‌که در تفسیر آیه 251 سوره بقره از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند:

به درستی که خداوند به واسطه نمازگزاران شیعه، بلا را از کسانی که نماز نمی‌خوانند، دفع می‌کند، زیرا اگر همه شیعیان نماز را ترک کنند، هلاک می‌گردند. 17

واضح است که وقتی وجود افراد مؤمن در اجتماع، چنین برکتی را به همراه داشته باشد، برکات وجود امام معصوم که ولی و حجت خدا بر مردم است، به مراتب بیشتر خواهد بود، زیرا امام و حجت خدا، واسطه رسیدن فیض و برکت خداوند متعال به مردم است؛ چنان‌که امام سجاد(ع) درباره برکات وجودی ائمه اطهار(ع) می‌فرماید:

ما کسانی هستیم که به واسطه ما آسمان بر فراز زمین نگهداری شده و زمین از هلاک نمودن اهلیش منع گردیده است. حضرت در ادامه می‌فرماید:

و بنا ینزل الغیث و تنشر الرّحمة و تخرج برکات الأرض. 18

در این فراز از بیان امام، برکات دیگری چون نزول باران، انتشار رحمت خدا و خروج برکات زمین، از آثار وجودی ائمه اطهار(ع) شمرده شده است. پس وجود امام غایب به عنوان حجت الهی و ولی معصوم حق باعث نزول خیرات بسیار بر امت اسلامی است.

6. امیدبخشی به مسلمین

ایمان و اعتقاد به امام غایب(ع) سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می‌گردد. این امیدواری از بزرگ‌ترین اسباب موفقیت و پیشرفت است. جامعه شیعی، طبق اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده، همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را که صد قافله دل هم‌راه اوست می‌کشد. هر چند او را در میان خود نمی‌بیند، اما خود را تنها و جدا از او نمی‌داند. باری، امام غایب(ع) همواره مراقب حال و وضع شیعیان‌اند و همین مسئله باعث می‌گردد که پیروانشان به امید لطف و عنایت حضرتش، برای رسیدن به یک وضع مطلوب جهانی تلاش کرده و در انتظار آن منتظر بسر برند. چنان‌که خود فرموده‌اند:

ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم؛ پس تقوای الهی پیشه کنید و ما را یاری

نمایید تا از فتنه‌ای که به شما رو می‌آورد، شما را نجات بخشیم. 19.

آری، اوضاع آشفته و اسفبار جهان و سیل بنیان‌کن مادیت و محرومیت مستضعفین و توسعه استکبار، خیرخواهان بشریت را مضطرب کرده است؛ به طوری که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید کنند. در این صورت تنها روزنه امیدی که برای بشر مفتوح است و یگانه بارقه امیدی که در این جهان ظلمت‌زده سوسو می‌زند، همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر درخشان حکومت توحید و نفوذ قوانین الهی است. 20.

7. حفظ و نجات شیعیان از خطرات، گرفتاری‌ها و شرّ دشمنان

در توقیعی که از ناحیه مقدّس حضرت حجت(ع) برای شیخ مفید(رض) صادر گشته، آمده است:

ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌نمودند. 21.

سلامتی و نجات یافتن از خطرات، گرفتاری‌ها و شرّ دشمنان توسط امام(ع) بر دو وجه است:

1. عافیت و سلامتی از همه خطرات دنیویّه و دنیویّه؛

2. حاصل شدن سلامتی و نجات یافتن از بلاها و گرفتاری‌های بسیار سخت و مشکلات عظیم در امر دین و دنیا.

از جمله این موارد در وجه دوم، نجات مردم بحرین از اجحاف حاکم ظالم است، آنگاه که صدراعظم وقت حکومت، حيله و نقشه‌ای را پی‌ریزی کرد تا با شیعیان، همچون کفار حربی از اهل کتاب رفتار شود؛ یا «جزیه» پرداخته و ذلت پرداخت آن را تحمل کنند و یا مردانشان کشته و زنان و کودکانشان به اسارت گرفته شوند، که آن حضرت در خنثی ساختن این توطئه، نقش بزرگی ایفا نمودند. 22.

مضافاً اینکه توسل به حضرت مهدی(ع)، دستگیری و امدادهای امام نیز، از دیگر برکات ایشان در دوران غیبت است، زیرا با توسل به ایشان - به عنوان نزدیک‌ترین بندگان به خدا - می‌توان اطمینان قلبی داشت که خطرات، مشکلات و گرفتاری‌ها برطرف می‌گردد.

مهدی سلطانی رنانی

ماهنامه موعود شماره 86

پی‌نوشت‌ها:

1. روزنامه کیهان 78/7/22؛ ش 16633

2. سوره آل عمران (3)، آیه 138.

3. نهج البلاغه، کلمات حکمت، شماره 139. نهج البلاغه فیض الإسلام، ص 1148.

4. صدوق، کمال‌الدین، ج 1، ص 146 و 365 / مجلسی، بحارالانوار، ج 36، ص 250.

5. دکتر احمد محمود صبحی، نظریه الإمامة ص 413.

6. صدوق، أمالی و بحارالانوار، ج 52، ص 92.

7. شیخ طوسی، الغیبة ص 188 / بحارالانوار، ج 53، ص 181 / صدوق، کمال‌الدین، ج 2، ص 162 / طبرسی، الإحتجاج، ص 263 / کشف الغیبة، ج 3، ص 322 / فیض کاشانی، النوادر، ص 164.

8. سوره انفال (7)، آیه 33.

9. سوره اسراء (17)، آیه 72.

10. عباس استاد آقایی، اسرار آفرینش اهل بیت(ع)، صص 251-253.

11. تفسیر البرهان، ج 4، ص 291.

12. علامه مجلسی(ره)، بحارالانوار، ج 52، صص 92-93، ج 7.

13. مفاتیح‌الجنان، دعای عدیله.

14. بحارالانوار، ج 53، ص 175.

15. حاج ملا هادی سبزواری.

16. عصاره خلقت درباره امام زمان(ع) برگرفته از آثار آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، ص 85.

17. اصول کافی، ج 2، ص 451.

18. کمال‌الدین، ص 207.

19. احتجاج طبرسی، ج 2، ص 497.

20. آیت‌الله ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص 157.

21. دفع گرفتاری‌ها و بلاها ممکن است مستقیماً توسط خود آن بزرگوار یا از طریق وسایط و یاران مخصوص وی و یا به وسیله دعای آن حضرت صورت گیرد. (سید محمد صدر، تاریخ الغیبة الكبرى) ص 153.

22. النجم الثاقب، ص 314 / بحارالانوار، ج 52، ص 178 / منتهی‌الامال، ج 2، ص 316، به نقل از تاریخ الغیبة الكبرى، صص 116-117.